

## پیش‌خواب

خاطرات شهید آیت‌الله محمدرضا مؤیدی قمی در یک نگاه

## آنچه شهید منا از تاریخ معاصر روایت کرد

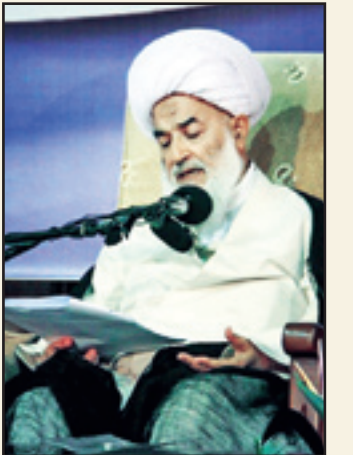
■ **محمدرضا کائینی**



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، خاطرات زنده‌یاد آیت‌الله حاج‌شیخ محمدرضا مؤیدی‌قمی را در خود دارد که پس از شهادت وی منتشر شده است. این مجموعه از

سوی حسین مهدیه تدوین گشته و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آن را روانه بازار کتاب کرده است. آثار نمای ناشر در یادداشتی کوتاه، محتوای کتاب را به ترتیب بی‌امده معرفی نموده است:

«همزمان با سی‌ودومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، کتاب خاطرات شهید آیت‌الله محمدرضا مؤیدی‌قمی، معلم اخلاقی و از شهدای فاجعه منا با عنوان مهاجرالی‌الله از سوی مؤسسه فرهنگی – هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی، روانه بازار کتاب شد. در بررسی از مقدمه این اثر آمده است: خاطرات آیت‌الله مؤیدی فارغ از ابعاد آموزنده معنوی، از این منظر که بخش اصلی حوادث آن در فضای اختناق آمیز پس از دستگیری امام خمینی روی داده است، قابل توجه می‌نماید و بازخوانی خاطرات ایشان، می‌تواند زوایای جدیدی از روند مبارزه با رژیم پهلوی را بازگو کند. این کتاب برگرفته از ۲۶جلسه گفت‌وگو با آیت‌الله مؤیدی، مرجع تقلید، عضو شورای منتخب مجمع عالی تفسیر و یکی از استادان برجسته حوزه‌های علمیه در مرکز اسناد انقلاب اسلامی است. مهاجرالی‌الله مشتمل بر ۹فصل می‌باشد که هشت فصل ابتدایی آن، خاطرات آیت‌الله مؤیدی سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۵۷ و دوران پیروزی انقلاب اسلامی است و فصل انتهایی، به دوران بعد از



➤ شهید آیت‌الله حاج‌شیخ محمدرضا مؤیدی قمی

پیروزی انقلاب و مسئولیت‌های ایشان در آن دوره می‌پردازد. فصل اول مشتمل بر شرح مختصری از پیشینه خانوادگی، کودکی، تحصیلات، ورود به حوزه علمیه، وضعیت سیاسی – اجتماعی آن دوم به بررسی جایگاه حوزه علمیه است. فصل سوم به زعامت آیت‌الله بروجردی در حوزه علمیه قم می‌پردازد و فصل سوم و چهارم کتاب شامل خاطرات آیت‌الله شهید مؤیدی از مبارزات نهضت اسلامی، از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۳ می‌باشد. واکنش امام خمینی به پیششهاد زعامت حوزه علمیه بعد از رحلت آیت‌الله بر وجردی، یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی است که در فصل سوم به آن پرداخته می‌شود. در فصول پنجم و ششم، خاطرات آیت‌الله مؤیدی از دوران تبعید امام خمینی و فعالیت‌های ایشان در آن دوره، از جمله برگزاری دعای توسل در جهت مبارزه با رژیم پهلوی و زنده‌نگه‌داشتن یاد و نام امام و وقایعی که با برگزاری این مراسم برای ایشان رخ داده، پرداخته شده است. محور

فصل هفتم این کتاب، تحلیل و بررسی کلی‌اوضاع قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، همراه با خاطراتی درباره آیت‌الله سعیدی، آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی و دکتر علی شریعتی می‌باشد. در فصل هشتم این اثر نیز نحوه شهادت آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی، علل شتاب گرفتن انقلاب و حوادث منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، بررسی شده است. فصل آخر کتاب هم شامل خاطرات راوی از دوران پیروزی انقلاب اسلامی، ورود امام به وطن به همراه بیان مسئولیت‌های ایشان، در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد. مهاجرالی‌الله از سوی حسین مهدیه تدوین و از سوی مؤسسه فرهنگی – هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی در هزار نسخه و با قیمت ۲۳هزار تومان در سی‌ودومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در اختیار مخاطبان قرار گرفت.»



حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدصادق اخوان، نمادی از خدمت صادقانه و شهادت مظلومانه

## شهادت در منا

## پاداش یک عمر تکاپوی مؤمنانه

➤ **علی احمدی فراهانی**

روزهایی که بر ما گذشت، نشان از حادثه دلخراش شهادت حجاج بیست‌الله الحرام در منطقه منا داشت. در این فاجعه بسا ازآران خانه خدا که در میان آنان برخی علما، نخبگان و مسئولان نیز حضور داشتند و مظلومانه به شهادت رسیدند. شهید حجت الاسلام والمسلمین حاج‌شیخ محمدصادق اخوان در عداد این چهره‌ها به شمار می‌رود که سوابق انقلابی و خدمات وی، چندان برای عموم تبیین نشده است. مقال پی آمده سعی دارد شاخص‌ترین فرازهای حیات وی را مورد اشارت قرار دهد. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مقفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **میلاد و نشو و نما**

روحانی شهید حجت‌الاسلام‌والمسلمین حاج‌شیخ محمدصادق اخوان، در نخستین روزهای سال ۱۳۳۹ هجری شمسی، در شهر مقدس قم دیده به جهان گشود. هم‌زمانی میلاد وی باایام شهادت رئیس مذهب حضرت امام جعفر صادق (ع)، سبب شد تا خانواده او را مزین به نام «محمدصادق» نمایند. شهید دوران کودکی و نوجوانی را در همان شهر و در میان خانواده‌ای مذهبی و مرتبط با بیوت علما و مراجع سبری کرد. به سال‌های نوجوانی، هم‌زمان با تحصیل در مدرسه، به تاسی از بسیاری از اعضای خانواده که از کسبه بازار قم بودند، به شاگردی در بازار و کسب تجربه پرداخت و همین تلاش سخت بود که او را رشد داد و از وی شخصیتی خودساخته بنا کرد. زندگی در شهر قم، مهد علم و اجتهاد، او را به نهاد روحانیت نزدیک و علاقه‌مند کرده بود و به‌رغم آنکه فرصت پیشرفت در کسب‌وکار تجارت را داشت، با پایان آموزش‌های عمومی، به حوزه علمیه رفت و میثاق طلبگی را امضا نمود. دوران تحصیل در مدارس مختلف حوزه، به‌خصوص مدرسه مرحوم آیت‌الله‌العلمی گلپایگانی (ره)، فرصت بهره‌گیری از دروس علمای بزرگ و مبرز آن دوران را فراهم آورد و در همین سال‌ها، در جهت خودسازی معنوی هر چه بیشتر خویش کوشید. بی‌تردید شاگله اصلی شخصیت وی، در همان سالیان نخستین تحصیل در حوزه و مراد به شخصیت‌های بزرگ و نامدار آن شکل گرفت.

■ **در طریق مبارزه و خدمت**

دوران جوانی شهید اخوان، با اوج مبارزات ملت ایران با رژیم ستم‌شاهی مصادف بود و عشق و علاقه او به جانفشانی در راه اسلام و ارزش‌های آن، او را در صف طلاب مبارز و انقلابی قرار داد. در همان سالیان،

## تاریخ

تاریخ، ۶۰۰۶۰۲۲۸۵



شهید حجت‌الاسلام محمدصادق اخوان، در حال سخنرانی برای نمازگزاران ظهر عاشورا

### دوران جوانی

ربع قرن فعالیت فرهنگی شهید اخوان در منطقه شمال غرب تهران، خاطرات بسیاری از او در ذهن نمازگزاران مساجد و اعضای هیئات مذهبی این منطقه بر جای نهاده است. او به فراخور حال و فرصت‌های ممکن، در بسیاری از مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و هیئات این منطقه، به سخنرانی پرداخت و کمتر مسجد و هیئتی در این منطقه است که وی توفیق حضور و سخنرانی در آن نیافته باشد. او با همه کارنامه در خشان مد بریتنی و فرهنگی اش، همواره افتخارش را «روضه خوانی برای حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع)» می‌دانست و آرزویش این بود به این نام شناخته شود

دیگر این قوه نیز از جمله اداره کل امور استان‌ها، دانشکده علوم قضایی و نهایتاً مرکز امور شوراهای حل اختلاف کشور، پذیرای مسئولیت‌ها شد.

در همین سال‌ها بسود که بار دیگر به سنگر مورد علاقه‌اش، یعنی محراب نیز بازگشت و با پذیرش مسئولیت امامت جماعت مسجد الزهر(اس) واقع در محله شهرآرای تهران، به فعالیت فرهنگی در این مسجد و محله آن پرداخت. ربع قرن فعالیت فرهنگی او در منطقه شمال غرب تهران، خاطرات بسیاری از وی در ذهن نمازگزاران مساجد و اعضای هیئات مذهبی این منطقه بر جای نهاده است. او به فراخور حال و فرصت‌های ممکن، در بسیاری از مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و هیئات این منطقه، به سخنرانی مذهبی و تبلیغ دینی پرداخت و کمتر مسجد و هیئتی در این منطقه است که وی توفیق حضور و سخنرانی در آن نیافته باشد. او با همه کارنامه در خشان مدیریتی و فرهنگی اش، همواره افتخارش را «روضه خوانی برای حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع)» می‌دانست

و آرزویش این بود به این نام شناخته شود. همین عشق و ارادت به خاندان پیامبر(ص) بود که او به سان مولایش، توفیق ممانی عطشان در آغاز نمود. تجربه بیش از یک دهه فعالیت گوناگون تبلیغی فر هنگی، برای او فرصتی فراهم آورد تا در جایگاه معاونت سازمان تبلیغات اسلامی استان تهران، تجارب و آموخته‌های خود را برای گسترش فرهنگ ناب اسلامی و پاک شدن جامعه از آلاینش‌ها، به میدان عمل آورد. فعالیت متمادی او در مسئولیت‌های مختلف در این نهاد، از جمله معاونت‌های اجتماعی، فرهنگی، ارتباطات و تشکل‌های دینی و قائم‌قوامی ریاست این سازمان در استان تهران و همچنین مسئولیت دفتر شمال غرب تهران، فرصتی بی‌ظنیر برای خدمت در جبهه فرهنگی برای او فراهم آورد. در همین مقطع بود که پشتکار، جدیت و همت جهادی او، سبب شد یک سال به عنوان کارمند نمونه کشور، برگزیده جشنواره شهید رجایی شود. حضور در مسئولیت‌های اداری، هیچ‌گاه او را از سنگرهای حقیقی فرهنگ که همانا مسجد باشد، غافل نکرد و از همان ابتدای حضور در تهران، با پذیرا شدن امامت جماعت یکی از مساجد که خود را تدوام بخشید. نمازگزاران مسجد شهید چمران در نقطه‌ای کم‌برخوردار واقع شده بود، رسالت فرهنگی خود را با تلاش و همت فراوان و در نظر قوه قضائیه محله اسلام‌آباد تهران، ۱۳سال در نماز به او اقتدا کردند و همگی خاطرات خوش و زیبایی، از امام جماعت سابق مسجدش به یاد دارند.

■ **خدمت در قوه قضائیه، با رویکرد تقویت فرهنگ دینی**
پس از ۱۳ اسال تلاش و مجاهدت در سنگر فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، شهید اخوان که چندین سال در عرصه احیا و نهادینه‌سازی واجب فراموش‌شده «مره‌معروف و نهی از منکر» در سطح مساجد تهران تلاش کرده بود، در جهت تمرکز بر این رسالت فرهنگی و دینی، به نهاد تازه تأسیس ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی که با همین هدف و زیر نظر قوه قضائیه تشکیل شده بود، پیوست. هر چند با منتقل شدن به قوه قضائیه، به نهادی جدید و بسا مأموریتی متفاوت قرار داد. حضور چندساله وی در سال‌های ابتدایی نبوی و ائمه‌بقیع(س) را به حقیر هدیه نمود. از آنجا که توفیق خداحافظی و طلب حلالیت از عزیزانم به صورت حضوری حاصل نگردید، بوشز خواسته و طلب حلالیت می‌نمایم. از آنها که با زبان و عملم دل‌شان را از زده یا نتوانسته‌ام گرهی از مشکلات‌شان باز نمایم، می‌خواهم که به بزرگی دل‌های بی‌کینه خود، این حقیر را ببخشند و از آنانی که دانسته یا ندانسته حقوقی بر گردن بنده دارند، عاجزانه درخواست عفو و گذشت دارم. باشد تا خدای مهربان از خطاهای‌مان چشم‌پوشی نماید. دعاگوی شما خواهم بود و ملامتس دعای خیرتان هستم.»

■ **روز واقعه**
شهید اخوان در آخرین سفر حج خویش، تصمیم گرفت به ادای دینی که بر گردن داشت، زمینه سفر همسرش را نیز به حج فراهم آورد و به این ترتیب این حج، موسم وداع او با خانواده‌اش شد. جدیت او بر لزوم آموزش دقیق ضوابط شرعی مناسک حج به حجاج و مراقت و همراهی‌اش با آنان به گونه‌ای بود که همواره زبانزد هم‌کاروانی‌های او بود، به گونه‌ای که بسیاری از همسفران او تا سال‌ها بعد، همچنان با وی در ارتباط بودند. صبح روز دوم مهرماه ۱۳۹۴، واقعه‌ای تلخ رخ داد که قلب همه شهید حجت‌الاسلام محمدصادق اخوان در گمشدگی و گویا شهید آیت‌الله دکتر بهشتی

ملت ایران و بسیاری از امت اسلامی را جریحه‌دار کرد. توطئه‌ای خیانت‌آمیز، چند هزار تن از حجاج بی‌گناه بیت‌الله‌الحرام را در حالی که در ساعات پایانی مناسک حج و احرام به سر می‌بردند، به فاجعه‌ای غمبار در وادی منا به شهادت رساند. در ساعات اولیه این حادثه، شهید اخوان به همراه تعدادی از همسفرانش، در میان مفقودان آن قلمداد می‌شدند. در همین ایام بود که خانواده، بستگان و علاقه‌مندانش امید داشتند خبری از حیات او بیابند، اما روزها سپری شد و همچنان کمتر اثری از او یافت نشد. با گذشت یک هفته از فاجعه و مایوس شدن از یافتن اثر از حیات مفقودان فاجعه، به یک‌باره خبر شهادت آنان رسانه‌ای شد و این در حالی بود که همچنان خبر موفقی دال بر شهادت وی وجود نداشت. انتظار هفته‌ها و ماه‌ها ادامه یافت تا آنکه سه ماه بعد، همسر و فرزندش برای یافتن نشانه‌ای از او عازم حجاز شدند و پس از انجام آزمایش‌های DNA و بررسی تصاویر شهیدا و دیگر مستندات، پیکر این شهید مناشناسی و پس از انجام تشریفات قانونی، به میهن اسلامی بازگشت. با انتقال پیکر مطهرش به ایران اسلامی، ۲۰روز پس از شهادتش و در دوم بهمن ماه ۱۳۹۴، بنا به وصیتش به زادگاهش شهر مقدس قم منتقل گشت و با عنایت رهبر معظم انقلاب اسلامی، در جوار کربمه اهل‌بیت(ع) و در حرم مطهر حضرت معصومه(س) تدفین شد. مضجع شریفش در حرم حضرت معصومه(س)، صحن امام رضا (نابکی)، بقعه ۳۵میدان‌گاه علاقه‌مندان و یارانش است.

■ **عدم پیگیری مناسب رویداد**

پس از فاجعه منا، به‌رغم هشدار قاطع رهبر معظم انقلاب اسلامی که موجب عقب‌نشینی مقامات عربستان گشت، سسوگمندهان از سوی دولت وقت در پیگیری این حادثه تلخ و شناسایی علل و عوامل آن، اقدامی در‌خور صورت نگرفت. این در حالی بود که رهبری پس از سپری شدن یک سال، همچنان ضمن مطرح بسودن گمانه عمدی بودن ماجرا، تعلل و کوتاهی مسئولان کشور عربستان را در نجات آسیب‌دیدگان این رویداد، گوشزد می‌کردند: «اکنون قریب یک‌سال از حوادث مدهش منا می‌گذرد که در آن چند هزار نفر در روز عید و در لباس احرام، در زیر آفتاب و با لب تشنه، مظلومانه جان باختند. اندکی پیش از آن در مسجداالحرام نیز جمعی در حال عبادت و در طواف و نماز، به خاک و خون کشیده شدند. حکام سعودی در دل حادثه مقصرند، این چیزی است که همه حاضران، ناظران و تحلیلگران قریب، بر آن اتفاق نظر دارند و گمان عمدی بودن حادثه نیز از سوی برخی صاحب‌نظران مطرح شده است. تعلل و کوتاهی در نجات مجروحان نیمه‌جان که جان شریفه و دل مستنقائ آنان در عید قربان، از زبان تاگر و ترنم آیات الهی همراه بود نیز قطعی و مسلم است. مردان قسی‌القلب و جنایتکار سعودی، آنان را با جان‌باختگان در کانتینرهای درسته‌سحبوس ساختند و به جای درمان و کمک یا حتی رساندن آب به لبان تشنه ایشان، آنها را به شهادت رساندند. چند هزار خانواده از کشورهای گوناگون، عزیزان خود را از دست دادند و ملت‌های آنان انداختار شدند. از جمهوری اسلامی، حدود ۵۰۰ نفر در میان شهدا بودند. دل خانواده‌ها همچنان مجروح و داغدار است و ملت همچنان غمگین و خشمگین است…»

روایت مواجهه قاطع رهبر معظم انقلاب اسلامی با حکام سعودی در این فاجعه و ایضاً رویکرد متعقلانه و فاقد نتیجه دولت وقت در این رخداد را می‌توان در نامه آقای محمدجواد اخوان فرزند شهید اخوان، به حضرت آیت‌الله آیت‌الله‌العلمی خامنه‌ای مطالعه کرد: «حادثه منا هر چند برای ما مصیبت‌بار بوده است، اما در آن عبرت‌هایی برای اهل بصیرت و زنده‌دان اشکار است. نیک می‌دانیم اگر جملات بر صلابت و حزم‌العمل علوی حضرت‌عالی در سخنرانی خود در دیدار ارتش جمهوری اسلامی ایران نبود، بی‌شک سقائتی که خون پاک هزاران حاجی بی‌گناه را بر صحرای منا ریختند، از تحویل ابدان مطهر آن‌ها خودداری می‌کردند. اساساً هیچ بعید نیست که این توطئه، برای تحقیر ملت بسزرگ ایران و قدرت‌نمایی بوشالی‌ان اذئاب مسیقه‌ای امریکا طراحی شده بود، اما عرض مناسقی ویژه این کمترین و دیگر زمانه حساس، صلابت و اقتدار برخاسته از صولت حیدری‌تان، بازپچه‌های دست دشمن را در عقب راند و می‌دانیم که این عزت خود را مدیون اقتدار ولایی خود هستیم نه دیپلماسی التماس. یک هفته سرنوشت‌سازی که ابدان مطهر این عزیزان پاکباخته، در صحرای حجاز در سردخانه‌ها و کانتینرهای راه‌شده بود، دیپلماسی التماس مشغول مصافحه با شیطان بزرگ بود و التماس از امیرک‌هایی که روزی تاج‌وتخت خود را در قمار احمقانه در حمایت از صدام حسین ملعون باختند! بگذارد عده‌ای خوش‌خیالانه وانمود کنند که این دیپلماسی التماس بوده است که عزت و شرف ملت ایران را حفظ کرده است، اما تاریخ گواهی خواهد داد که آن دو جمله که از زبان ولی امر مسلمین جهان خارج شد و از عکس‌العمل سخت و خشن سخن به میان آمد، ورق را بر گرداند، هر چند صبر و تحمل بر این مصیبت برای من سخت است، اما از اراده من نکاسته و نخواهد کاست، ان‌شاء‌الله. امیدوارم به دعای خیر شما، افتخار تدوام سربازی در مسیر ولایت را یافته و بار دیگر پادردکاب بودن خود را با صدای رسا فریاد می‌زنم، جای واتی دارم که روح مطهر پدرم – که شاهد و ناظر است- در این راه یاری‌ام خواهد کرد و از خاندان منان مسئلت می‌کنم تا مرگی در راه محمد و آل (محمد(ص)، همچون پدرم نصیب فرماید…»